

بازتاب کعبه در اشعار مولوی

دکتر نصرالله امامی^۱، دکتر فرزانه یوسف قنبری^۲

سهیلا فضیلت راد^۳



تاریخ دریافت: ۹۴/۱۰/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۱/۲۱

چکیده

کعبه، مقدّس‌ترین معبد الهی، که عمری به درازای حیات این جهان دارد همچون نگینی بر تارک هستی می‌درخشد این بنای ارزشمند و آیین مقدّس حج، در شعر و ادب فارسی، جایگاهی ویژه و بس والا دارند و سخنوران و ادیبان، هر یک از زاویه‌ی خاص خود به آن‌ها توجه کرده‌اند. در این میان شاعر بزرگ و عارف ادب فارسی یعنی مولوی بنا به دید عرفانی خود بدان نگرسته و در این راستا آثار ارزنده کعبه در اشعار این شاعر گرانقدر با مفاهیمی تقریباً یکسان جلوه می‌کند که اهم آن‌ها عبارتند از: خانه‌ی دل، کعبه در مفهوم مجازی شرع، برتری کعبه‌ی دل بر کعبه‌ی گل، برتری حج باطن بر حج ظاهر، کعبه در معنای حقیقی و در معنای مقصود والا.

کلید واژه‌ها: کعبه، شعر فارسی، قرآن، مولوی، تاثیر.

۱ - هیأت علمی دانشگاه چمران اهواز، ایران.

۲ - هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول، ایران.

۳ - دانشجوی کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول، ایران. fazilatrad@gmail.com

القَائِمِينَ وَالرُّكَعِ السُّجُودِ

- گرسورت بی صورت معشوق ببینید هم خواجه و هم خانه و هم کعبه شما یی
ده بار از آن راه بدان خانه برفتید یک بار از این خانه بر این بام برآید
(مولوی، ۱۳۸۸: ۲۱۳)

ای قوم به حج رفته کجایید: شیخ صفی الدین در تفسیر این بیت، سخنانی دارد که در صفوه الصفا، ۵۶۲، نقل شده است: «فرمود که کعبه دواست: یکی کعبه گل و دیگری کعبه‌ی دل. اگر چه و این خطاب به طالبان کعبه‌ی گل است که اگر چه ادای رُکنِ اسلام به آن کعبه حاصل شود، اما معرفت الله و طلب کعبه‌ی حقّ به حج کعبه‌ی دل حاصل شود. پس ای طالبان حقّ و معرفت الله به حج کعبه‌ی دل آید و آن را از این کعبه بطلبید (مولوی، ۱۳۸۷: ۴۱۱).

کعبه محل اقامه نماز است.

صاحب تفسیر المیزان بر این عقیده است: «حضرت ابراهیم (ع) پس از ساختن کعبه و ساخته شدن و آبادانی شهر مکه دعا می کند: رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ...» (ابراهیم/۳۷)

«در این آیه شریفه «من ذریتی» جانشین مفعول «اسکنت» می باشد و «من» در آن تبعیض را می رساند و منظور حضرت ابراهیم (ع) از ذریه اش حضرت اسماعیل و نسل های آینده او هستند نه اسماعیل به تنهایی چرا که برای اقامه نماز فرمود: «ربنا ليقموا الصلوه» و نفرمود: «ليقيم الصلوه».

_ با گل و خار ساختن مردیست مرد را ساز ساز باید کرد
قبله روی او چو پیدا شد کعبه ها را نماز باید کرد
(مولوی، ۱۳۸۸: ۳۱۴)

- کعبه جانها تویی گرد تو آرم طواف
پیشه ندارم جز این کار ندارم جز این
بهتر از این یار کیست خوشتر از این کارچیست
رخت کشیدم به حج تا کنم آن جا قرار
تشنه چه بیند به خواب چشمه و حوض و سبو
چونک برآرم سجود باز رهم از وجود
حاجی عاقل طواف چند کند هفت هفت
خواجه عجب نیست اینک من بدوم پیش صید
جغد نیم برخراب هیچ ندارم طواف
چون فلکم روزو شب پیشه و کارم طواف
پیش بت من سجود گرد نگارم طواف
برد عرب رخت من برد قرارم طواف
تشنه وصل توام کی بگذارم طواف
کعبه شفیع شود چونک گزارم طواف
حاجی دیوانه ام من نشمارم طواف
طرفه که بر گرد من کرد شکارم طواف...
(مولوی، ۱۳۸۸: ۴۱۷)

مولوی در این غزل با نگاه عارفانه‌ی خود، واژه‌هایی چون طواف، کعبه، حج مفاهیمی عرفانی و تفاسیری معنوی به دست می دهد. عاشقی که در طواف کعبه‌ی جانان است و از قید و بند ظواهر رسته است.

طواف به گرد کعبه برگرفته از آیه‌ی ۲۶ سوره‌ی حج است:

در آیه ۲۶ سوره مبارکه حج بعد از اینکه به داستان معبد شدن خدا برای مردم اشاره می کند - وَ إِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ - خداوند متعال دستور می دهد تا آن را از هر گونه شرک و آلودگی پاکیزه نمایند: «أَنْ لَا تُشْرِكُ بِي شَيْئًا وَ طَهَّرُ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَ الْقَائِمِينَ وَ الرُّكْعِ السُّجُودِ».

در تفسیر این آیه آمده است: «نهی در آن مقصود نهی از شرک در عبادت است چون کسی که به زیارت کعبه می رود مقصودش عبادت است و معنای «وَ طَهَّرُ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَ الْقَائِمِينَ وَ الرُّكْعِ السُّجُودِ» این است که وحی کردیم که خانه را برای طواف کنندگان، نماز گزاران و راکعان و ساجدان تطهیر کن و منظور از اینکه بیت را به خود نسبت داده و فرمود: «بیتی»، این است که بفهماند این خانه مخصوص عبادت او

تحرّی : رو به قبله آوردن(دهخدا،ذیل تحرّی).

این قیاسات و تحرّی روز ابر
یا بشب مر قبله را کردست حبر
لیک با خورشید و کعبه پیش رو
این قیاس و این تحرّی را مجو
کعبه نادیده مکن رو زو متاب
از قیاس الله اعلم بالصواب
(مولوی، ۱۳۶۷، ج: ۱، ص ۱۷۲، ش.ب. ۳۴۷۷-۳۴۷۵)

وقتی که موسم حج می رسد، توقصد زیارت کعبه کن، وقتی که توبه قصد زیارت
کعبه بروی ، خود به خود کعبه را نیز می بینی [در اینجا « کعبه » کنایه از جوهر است
و مکه « کنایه از عَرَض] (زمانی، ۱۳۷۳: ۵۵۳).

- گفت عزم تو کجا ای بایزید
رخت غربت را کجا خواهی کشید
گفت قصد کعبه دارم از پگه
گفت هین با خود چه داری زاد ره
(مولوی، ۱۳۶۷، ج: ۲، ص ۳۰۴، ش.ب. ۲۲۴۷-۲۲۴۶)

کعبه در معنی حقیقی خود به کاررفته است. (زمانی، ۱۳۷۳: ۵۵۶).

_ صد کمر آن قوم بسته بر قبا
بهر هدم مسجد اهل قبا
همچو آن اصحاب فیل اندر حَبَش
کعبه‌ای کردند حق آتش زدش
قصد کعبه ساختند از انتقام
حالشان چون شد فرو خوان از کلام
(مولوی، ۱۳۶۷، ج: ۲، ص ۳۶۶، ش.ب. ۲۹۲۸-۲۹۲۶)

این منافقان مانند اصحاب فیل در حَبَش کعبه‌ای برپا ساخته بودند، ولی حق تعالی
آن را به آتش کشید (زمانی، ۱۳۷۳: ۷۰۲).

در این ابیات که فقیر به شیخ عذرش را می‌گوید، کعبه در معنی حقیقی خود به
کار رفته است.

_ تو به ده رکعت نماز آبی ملول
من به پانصد در نیام در نحول
آن یکی تا کعبه حافی می‌رود
وین یکی تا مسجد از خود می‌شود

_ همچو قربان از جهان بیرون شدند
 کای خدا پیش تو ما قربان شدیم
 چون که با تکبیرها مقرون شدند
 معنی تکبیر این است ای امام
 وقت ذبح نفس کشتنی
 وقت ذبح الله و اکبر می کنی
 کرد جان تکبیر بر جسم نبی
 تن چو اسماعیل و جان همچون خلیل
 (مولوی، ۱۳۸۸: ۹۷۱)

حضرت ابراهیم نماد روح و اسماعیل (علیه السلام) نماد تعلقات مادی است که باید
 قربان شود. در مثنوی داستان‌های جالبی برای توضیح و توجیه معنای "حج باطنی" آمده
 است که در اینجا مجال ذکر آنها نیست اما در کُل دیدگاه مولوی را نسبت به حج را
 می توان این گونه بیان کرد.

۱- همانگونه که در مثنوی لب لباب ملا حسین واعظی کاشفی آمده :

حج زیارت کردن خانه بود	حج ربّ البیت مردانه بود
کعبه را گره‌ر دمی عزّی فرود	آن ز اخلاصات ابراهیم بود
فضل آن مسجد ز خاک و سنگ نیست	لیک در بنّاش حرص و جنگ نیست
بر در این خانه گستاخی ز چیست	گر همی دانید کاندرا خانه کیست؟
جاهلان تعظیم مسجد می کنند	در جفای اهل دل جِدّ می کنند
آن مجاز است این حقیقت ای خران	نیست مسجد جز درون سروران
مسجدی کآن اندرون اولیاست	مسجدی کآن اندرون اولیاست
کعبه مردان نه از آب و گل است	طالب دل شو که بیت الله دل است
صورتی کآن فاضل و عالی بود او	ز بیت الله کی خالی بود

«حج دو نوع است: یکی قصد کوی دوست و آن حجّ عوام است و یکی میل روی
 دوست و آن حجّ خاصّ اُنام است، و چنانکه در ظاهر کعبه ای است قبله خلق و آن از
 آب و گل است، در باطن نیز کعبه ای است منظور نظر حق و آن دل صاحب‌دل است.

اگر «کعبه گِل» محل طواف خلائق است، «کعبه ی دل» مطاف الطاف خالق است. آن «مقصد زوَّار» است و این «مهبط انوار». آنجا خانه است و اینجا خداوند خانه» لذا پیام مولوی و همه عارفان مسلمان این است که در «قشر» نمایند به «لُبِّ» هم سفر کنید، تنها با بدنه و پیکر عبادات مواجه نشوید به «درون» و «باطن» آن ها نیز بار بیابید. (شجاعی، ۱۳۸۸: ۵۵).

۲- دیگر آنکه او می گوید: در «خانه» نمایند که «خواجه خانه» و «خداوند بیت» نیز شایسته زیارت و دیدن است و البتّه این کاری است سترگ و همّتی مردانه طلب می کند و از همین روست که عارفان می گویند: «حجّ خانه ی خلیل آسان است، اما حجّ حرم جلیل کار شیرمردان است؛ و لکلّ عمل رجال»..

باز برگرفته از آیه ی قرآن است که می فرماید: اگرچه در این بیت منظور از کعبه، دل است امّا در آیه ۲۶ سوره مبارکه حج بعد از اینکه به داستان معبد شدن خانه خدا برای مردم اشاره می کند.

وَ إِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ - خداوند متعال دستور می دهد تا آن را از هر گونه شرک و آلودگی پاکیزه نمایند: «أَنْ لَا تُشْرِكُ بِي شَيْئًا وَ طَهَّرَ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَ الْقَائِمِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ»

این آیه شریفه این نکته را متذکر می شود که عمده عبادت زائران کعبه، طواف و نماز، رکوع و سجود است. و اینکه رکوع و سجود متلازم بوده و قابل تفکیک از یکدیگر نمی باشند» (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۱۴ ص ۵۱۹).

اولین بار حضرت ابراهیم (ع) و فرزند دلبندهش حضرت اسماعیل (ع) مأموریت یافتند کعبه را تطهیر کنند؛ «و عهدنا الی ابراهیم و اسمعیل أن طهرا بیتی للطائفین و العاکفین و الرکع السجود» (بقره/۱۲۵) در مجمع البیان آمده است: «منظور از طائفین کسانی هستند که در گرد خانه کعبه مشغول طواف می باشند و منظور از عاکفین افرادی

کتاب نامه

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. افرام البستانی، ف.، ۱۳۷۹، فرهنگ جدید عربی به فارسی (ترجمه منجدالطلاب)، ترجمه محمّد بندر ریگی، انتشارات حُر.
۴. جوادی آملی، ع.، ۱۳۸۱، صهبای حج، تهران: مرکز نشر اسراء
۵. _____، ع.، ۱۳۸۳، جلد ۶، تسنیم تفسیر قرآن کریم، تهران: مرکز نشر اسراء.
۶. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۳، لغت نامه، جلد ۱، تهران: دفتر نشر معارف انقلاب اسلامی.
۷. _____، ۱۳۴۵، لغت نامه، حرف (خ) بخش دوم، انتشارات مجلس شورای ملی.
۸. زمانی، ک. ۱۳۷۳، شرح جامع مثنوی معنوی، ۷ جلد، چاپ هفتم تهران: انتشارات اطلاعات.
۹. سنایی، ابوامجد، ۱۳۸۸، دیوان حکیم ابوالمجد مجدودبن آدم سنایی غزنوی، به اهتمام و کوشش مدرّس رضوی، چاپ هفتم، انتشارات سنایی.
۱۰. سیوطی، ج.، ۱۴۲۱، ه. ق.، الدر المنثور فی التفسیر با لمأثور، ج ۷، ۱، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۱. شجاعی، م.، ۱۳۸۸، حج در آئینه شعر فارسی، ۲ جلد، تهران: نشر مشعر.
۱۲. _____، ۱۳۷۵، «کعبه در آئینه شعر فارسی»، سال چهارم، ش ۱۵، فصلنامه میقات حج، صص ۱۲۲-۱۱۳، بازیابی در تاریخ ۹۳/۶/۲۴.
۱۳. صفاء، ذبیح الله، تاریخ ادبیات در ایران، جلد دوم، چاپ چهاردهم، تهران: چاپخانه رامین.
۱۴. طباطبایی، م.، ۱۳۶۳، ترجمه تفسیر المیزان، جلد ۲، ۱۴، ۳، ترجمه سید محمّد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۵. طبرسی، ف.، ۱۳۶۰، ترجمه تفسیر مجمع البیان، جلد ۱۵، ۱۳، ۹، ۲، ۱، ترجمه سید

